

Factors of Emergence, Expansion and Decline of New Atheism

Hamed Sajedi*

Received Date: 2024/8/5

Accepted Date: 2024/9/17

"New Atheism" is an anti-God social movement that was first founded in America, England and Australia by some scientists and writers and then spread to other parts of the world. In addition to denying the validity of religious beliefs, this current considers them as the source of evil and violence among humans. New atheism, which started at the beginning of the 21st century, reached its peak after a decade and began to decline from 2015. By examining the factors of the rise, expansion and decline of new atheism in the western society, this article creates a proper insight into the growth process of religious doubts in the heart of social actions. In total, five factors for the emergence and expansion and five factors for the decline of this trend have been identified. The current research shows that the social, political and cultural factors governing America and the Western society have played a major role in the growth of this trend and in its decline.

Keywords: *New Atheism, Religious Beliefs, Religious Doubts.*

* Assistant professor of the Research Institute of Hawzah and University (hamed.sajedi@rihu.ac.ir).

عوامل ظهور الإلحاد الحديث و إنتشاره و إنحساره

حامد ساجدي*

القبول: ١٤٤٦/٣/١٣

الإستلام: ١٤٤٦/١/٣٠

الملخص

«الإلحاد الحديث» هو حركة مناهضة لله تأسست لأول مرة في أمريكا وإنجلترا وأستراليا على يد بعض العلماء والكتاب، ثم انتشرت إلى أجزاء أخرى من العالم. وبالإضافة إلى إنكار صحة المعتقدات الدينية، يعتبرها هذا التيار مصدر الشر والعنف بين البشر. الإلحاد الحديث، الذي بدأ مع بداية القرن الحادي والعشرين، وصل إلى ذروته بعد عقد من الزمن وبدأ في التراجع منذ عام ٢٠١٥. ومن خلال دراسة عوامل نشوء الإلحاد الحديث وانتشاره وانحساره في المجتمع الغربي، فإن هذا البحث خلق رؤية صحيحة لعملية نمو الشبهات الدينية داخل التصرفات الاجتماعية. وفي المجمل، تم تحديد خمسة عوامل لظهور هذا الاتجاه وانتشاره، وخمسة عوامل لتراجعها. يبين البحث الحالي أن العوامل الاجتماعية والسياسية والثقافية التي تحكم أمريكا والمجتمع الغربي لعبت دوراً كبيراً في نمو هذا الاتجاه وتراجعها.

الكلمات المفتاحية: الإلحاد الحديث، الإسلاموفوبيا، الطبيعية، العلمانية، ما بعد الحداثة، اللياقة السياسية.

* أستاذ مساعد في قسم فلسفة العلوم الإنسانية، معهد بحوث الحوزة العلمية والجامعة، قم
(hamed.sajedi@rihu.ac.ir).

عوامل ظهور، گسترش و افول آنتیسم جدید

حامد ساجدی*

تاریخ تأیید: ۱۴۰۳/۶/۲۷

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۵/۱۵

چکیده

«الحاد جدید» یک جریان ضد خداست که ابتدا در امریکا، انگلیس و استرالیا توسط برخی دانشمندان و نویسندگان پایه‌ریزی شد و سپس به نقاط دیگر جهان نیز گسترش یافت. این جریان علاوه بر انکار صحت باورهای دینی، آنها را منشأ شر و خشونت در میان انسان‌ها می‌شمارد. الحاد جدید که از ابتدای قرن بیست و یکم آغاز شد، پس از یک دهه به اوج خود رسید و از سال ۲۰۱۵ رو به افول گذاشت. مقاله حاضر با بررسی عوامل ظهور، گسترش و افول آنتیسم جدید در جامعه غرب، بیش مناسبی را نسبت به روند رشد شبهات دینی در بطن کنش‌های اجتماعی ایجاد می‌کند. در مجموع پنج عامل برای ظهور و گسترش و پنج عامل برای افول این جریان شناسایی شده است. تحقیق حاضر نشان می‌دهد عوامل اجتماعی، سیاسی و فرهنگی حاکم بر امریکا و جامعه غربی، هم در رشد این جریان و هم در تنزل جایگاه آن نقشی اساسی داشته‌اند.

واژگان کلیدی: الحاد جدید، اسلام‌هراسی، طبیعت‌گرایی، سکولاریسم، پست‌مدرنیسم، نزاکت سیاسی.

نواآتیسیم یا الحاد جدید، جریانی ضد خدا در میان دانشمندان و نویسندگان است که عمدتاً از ابتدای قرن بیست و یکم آغاز شد و گسترش یافت. آنچه این جریان را از بی‌خدایان پیشین متمایز می‌کند، مخالفت آشکارتر و پُرسروصداتر آنها با باورهای دینی و حتی به تمسخرگرفتن این‌گونه باورها و ایجاد جنبش اجتماعی در راستای گسترش الحاد و از میان بردن احترام اجتماعی باورهای دینی است. آنها نه تنها به خدا اعتقادی ندارند، اعتقادات دینی را منشأ شرور و خشونت‌های بشری می‌دانند. افزون‌براین آنها برای خود یک رسالت تبلیغی و اجتماعی قائل‌اند که در جهت تشویق و جرئت‌دهی به دیگر ملحدان برای ابراز نظرشان است. در نوشتار پیش رو ضمن معرفی اجمالی این جریان و سردمداران آن، به این مسئله می‌پردازیم که چه عوامل اجتماعی و فرهنگی باعث رشد و گسترش این جریان در دو دهه اخیر شده است.

باوجود انتشار گسترده تفکرات آتئیستی توسط جریان مذکور، شواهد نشان می‌دهد در چند سال اخیر این جریان در جوامع غربی رو به افول گذاشته و از تب و تاب قبلی افتاده است. در نیمه دوم مقاله، عوامل افول این تفکر و روی‌گردانی متفکران و نویسندگان غربی از آن را بررسی خواهیم کرد. گفتنی است افول این جریان در آثار داخلی کمتر مورد توجه قرار گرفته است.

۱. معرفی اجمالی سران الحاد جدید

الحاد جدید یک جنبش اجتماعی است که ابتدا در امریکا، انگلیس و استرالیا پایه‌ریزی شد و به تدریج به دیگر کشورهای انگلیسی‌زبان نیز سرایت کرد (Emilsen, 2012, p.521). این جریان عمدتاً با چهار نفر به‌عنوان سردمداران آن شناخته می‌شود: سم هریس، ریچارد داوکینز، دنیل دنت و کریستوفر هیچنز. در این میان سم هریس، عصب‌شناس و نویسنده امریکایی پیش از بقیه یعنی در سال ۲۰۰۴م کتاب «پایان ایمان: دین، وحشت و آینده عقلانیت» را منتشر کرد که جزء کتاب‌های پُرفروش امریکا قرار گرفت. وی در این کتاب دین را یک باور احمقانه قلمداد می‌کند و آن را منشأ خشونت و ترور می‌شمارد (Harris, 2004, p48). پس از او کتاب «پندار خدا» ریچارد داوکینز منتشر شد. او یک زیست‌شناس انگلیسی است، ولی در این کتاب از زیست‌شناسی فراتر می‌رود و صریحاً به نقد باورهای دینی می‌پردازد. کتاب او در سال ۲۰۰۶م به چهارمین کتاب غیرداستانی پُرفروش نیویورک تایمز مبدل می‌گردد (The New York Times, 2006).

دنیل دنت فیلسوف امریکایی که بیشتر درباره فلسفه ذهن و علوم شناختی کار می‌کند، عضو

دیگر این مجموعه است. از جمله آثار معروف او کتاب «ایده خطرناک داروین» است. این کتاب در سال ۱۹۹۵م منتشر شد. وی در این کتاب می‌کوشد بر اساس نظریه تکامل، طبیعت را بدون یک طراح فرامادی تبیین کند و سپس یک بنیاد طبیعی برای اخلاق بسازد. به نظر می‌رسد این کتاب بُن‌مایه اولیه برای کتاب «پندار خدا» از داوینز محسوب می‌شود. وی در دوران اوج الحاد جدید نیز کتاب‌هایی در تقویت این جریان نگاشته است که معروف‌ترین آن کتاب «شکستن طلسم: دین به‌عنوان یک پدیده طبیعی» می‌باشد. او در کتاب مذکور می‌کوشد دین را به‌عنوان محصول یک فرایند طبیعی زیست‌شناختی توضیح دهد (Dennett, 2006, p.97).

کریستوفر هیچنز روزنامه‌نگار و نویسنده امریکایی چهارمین عضو این گروه است. کتاب معروف او با عنوان «خدا خیلی بزرگ نیست» مانند آثار پیشین در سال ۲۰۰۷م جزء کتاب‌های پُر فروش امریکا قرار گرفت و در همان سال نامزد جایزه ملی کتاب امریکا شد (see: Italie, 2007).

۲۷



عوامل ظهور، گسترش و افول آتئیسم جدید

این چهار نفر در ۳۰ سپتامبر ۲۰۰۷م در اقامتگاه هیچنز در واشنگتن برای یک مباحثه طولانی گرد هم آمدند. از آن پس این افراد با عنوان «چهار سوارکار الحاد» شناخته شدند. این عبارت در واقع کنایه به چهار سوارکار آخرالزمان است که مکاشفه یوحنا در انجیل بدان پرداخته است. این چهار نفر کتاب‌ها، مقالات، مناظرات و مستندهای تلویزیونی متعددی درباره ترویج الحاد تولید کرده‌اند. به جز اینها افراد سرشناس دیگری نیز هستند که ذیل آتئیسم جدید معرفی شده‌اند. ویژگی مشترک آنها صراحت در نقد باورهای دینی و حتی تمسخر این باورهاست. آنها عقاید دینی را نه تنها باطل و غیرعقلانی می‌دانند، بلکه آنها را منشأ شر، خشونت و بدبختی بشر می‌شمارند و معتقدند نباید هیچ احترامی برای این باورها قائل بود (Bullivant & Ruse, 2021, p.1011). این جریان، ویژگی‌های فکری و اجتماعی دیگری نیز دارد که ضمن بررسی عوامل ظهور و افول آن بیان خواهد شد.

گفتنی است خانم آیان هیرسی به‌عنوان پنجمین فرد از حلقه اصلی الحاد جدید شناخته می‌شود. گاهی از این پنج نفر به‌عنوان «چهار مرد به‌اضافه یک زن سوارکار» یاد می‌شود. او یک زن سومالیایی است که پس از تحصیل در عربستان و مهاجرت به هلند، به تدریج به سمت الحاد کشیده می‌شود و اسلام را به‌عنوان یک دین زن‌ستیز و خشونت‌بار جلوه می‌دهد. در میزگرد سال ۲۰۰۷م قرار بر این بود که هیرسی نیز حضور یابد، ولی این اتفاق تا همایش جهانی آتئیسم در سال ۲۰۱۲م به تأخیر افتاد (see: Ahuja, 2019/ Atheist Foundation of Australia Inc, 2012).

۲. عوامل ظهور و گسترش آتنیسم جدید

«الحاد جدید» مجموعه‌ای از ویژگی‌ها را دارد که در ظهور و گسترش آن نقش مهمی داشته است. علاوه بر آن برخی بسترهای فکری و فرهنگی در جامعه غربی به گسترش بیشتر این جریان کمک کرده است. اساساً برخی نویسندگان امریکایی تفاوت اصلی الحاد جدید با نسخه قدیمی تر آن را گستردگی و انتشار بی سابقه دانسته‌اند. توماس فلین در این باره می‌گوید: «تنها چیزی که درباره الحاد جدید، جدید است، انتشار گسترده‌تر مطالب الحادی توسط ناشران معروف است؛ کتاب‌هایی که در لیست پرفروش‌ها ظاهر شدند و توسط میلیون‌ها نفر خوانده شدند» (Flynn, 2010, p.8)؛ به همین دلیل بررسی عوامل این گسترش و انتشار ضروری است.

۲-۱. هم‌زمانی و هم‌نوایی با جریان اسلام‌هراسی

اسلام‌هراسی جریانی است که از دهه آخر قرن بیستم آغاز شده است و پس حمله ۱۱ سپتامبر ۲۰۰۱م و با شکل‌گیری کمپین «جنگ علیه ترور» در امریکا به اوج خود می‌رسد و می‌کوشد گروهک‌های تروریستی همچون القاعده و داعش را به عنوان نماد اسلام معرفی کند (Beydoun, 2020, pp.85-86). الحاد جدید از این فراتر رفته و به طور کلی همه ادیان را منشأ شر و خشونت می‌شمارد. شواهد نشان می‌دهد سران الحاد، هم خودشان از جریان اسلام‌هراسی متأثر بوده‌اند و هم از این جریان برای پیشبرد اهداف خود به خوبی بهره گرفته‌اند.

هریس روز پس از حادثه ۱۱ سپتامبر، نوشتن کتاب «پایان ایمان» را آغاز می‌کند و انگشت اتهام را به اصل دین نشانه می‌رود. داوکینز نیز دقیقاً پس از این حادثه بحث الحادی خویش را آغاز کرد. به گفته داوکینز، برخی در واکنش به جریان اسلام‌هراسی می‌گویند: «سرزنش اسلام به خاطر این حملات، مانند مقصدانستن مسیحیت به خاطر جنگ در ایرلند شمالی است»، ولی داوکینز پاسخ می‌دهد: «دقیقاً همین طور است. زمان عصبانیت فرارسیده است و این عصبانیت فقط علیه اسلام نیست» (see: Adler, 2010). به طور مشابه، آیان هیرسی این حادثه را منشأ شک و تردید خود در باورهای دینی‌اش می‌شمارد (Freedom from Religion Foundation, 2017).

نکته قابل توجه، ارتباط این افراد با نویسندگان مرتدی است که پیش تر مسلمان بوده‌اند و در نقد اسلام کتاب نوشته‌اند. علاوه بر هیرسی که خود جزء حلقه اصلی آتنیسم جدید شناخته می‌شود، چهار سوارکار الحاد، رابطه تنگاتنگی با سلمان رشدی و ابن‌وراق نیز داشته‌اند. دنیل دنت آشکارا از سلمان رشدی حمایت می‌کند. ارتباط صمیمی سلمان رشدی با هیچ‌تاندازه‌ای است که رشدی اسم مستعار هیچ ۲۲ را برای دوست خود انتخاب می‌کند و کتاب خاطرات

هیچنیز با همین عنوان چاپ می‌شود (Hitchens, 2010, p.448). ابن‌وراق نیز که تمرکزش را بر نقد قرآن کریم و اسلام گذاشته است، معمولاً اسمش در کنار افراد پیش‌گفته به‌عنوان نئوآتئیست ذکر می‌شود (Emilsen, 2012, p.522). داوکینز در مقدمه کتاب «پندار خدا» از او به‌خاطر کمک‌هایش تقدیر و تشکر می‌کند (Dawkins, 2006, p.7). ماجد نواز عضو سابق حزب التحریر با افکار سلفی - داعشی پس از عدول از عقاید سابقش، کتابی مشترک با سم هریس با‌عنوان «آینده اسلام و مدارا» نگاشته است. در این کتاب، نواز از امکان تحقق یک اسلام سکولار سخن می‌گوید، درحالی‌که هریس اسلام را ذاتاً خطرناک و خشونت‌بار ترسیم می‌کند (see: Nawaz & Harris, 2015).

ویلیام امیلسن با بررسی آثار سران الحاد جدید نشان می‌دهد که بیشتر حملات آنها علیه اسلام است؛ مثلاً وقتی داوکینز می‌خواهد نمونه‌هایی از خشونت و ترور برآمده از دین را ذکر کند، بیشتر مثال‌هایش ناظر به مسلمانان است (Jones, 2007, p.134). هریس فصل‌های زیادی از کتابش را به نقد اسلام اختصاص می‌دهد و این دین را بیش از بقیه ادیان منشأ شرّ و آبستن خشونت توصیف می‌کند (Harris, 2004, p.108). پرفسور ماتوزیتز، سم هریس را قهرمان «ضدجهاد» معرفی می‌کند. ضدجهاد یک جنبش است که اسلام را نه به‌عنوان یک دین، بلکه به‌عنوان یک ایدئولوژی توصیف می‌کند که تهدیدی برای تمدن غربی است (Matusitz, 2020, p.198). نام کتاب هیچنیز «خدا خیلی بزرگ نیست» هم درواقع کنایه به شعار «اللّه اکبر» مسلمان‌هاست. امیلسن در پایان مقاله‌اش به این نتیجه می‌رسد: «آنچه در الحاد جدید تازه است ... حمله آنها به اسلام زیر لوای نقد کلی دین است که نتیجه آن ملت‌هت و دشوارشدن روابط بین مسلمانان و غیرمسلمانان است» (Emilsen, 2012, p.527).

۲-۲. تکیه بر سنت طبیعت‌گرایی و پوزیتویسم

بعضی از چهارچوب‌های فکری جاافتاده در میان متفکران غربی را می‌توان بُن‌مایه شکل‌گیری آتئیسم جدید دانست. مبانی هستی‌شناختی و روش‌شناختی متعددی همچون طبیعت‌گرایی، علم‌گرایی، فیزیکالیسم و پوزیتویسم منطقی، این بُن‌مایه را شکل می‌دهند. جان اف هات می‌گوید: نظام اعتقادی که دنت و دیگر آتئیست‌های جدید ذیل آن قرار می‌گیرند، «طبیعت‌گرایی علمی» است. عقیده محوری این نظام فکری این است که تنها طبیعت شامل انسان‌ها و تولیدات او، واقعی است. خدا وجود ندارد و علوم تجربی به‌تنهایی می‌تواند معرفت کامل و قابل‌اتکایی از حقیقت را به ما بدهد (Haught, 2008, p.x).

این‌گونه اظهارنظرها درباره آنتیسم جدید منحصر در متفکران متدین نیست. تری ایگلستون فیلسوف ماتریالیست و منتقد ادبی بریتانیایی می‌گوید: هیچ‌نیز از یک اندیشه علم‌گرایانه قدیمی درباره آنچه به‌عنوان شاهد محسوب می‌شود، بهره می‌برد. در این اندیشه، معرفت به «آنچه با روش علمی قابل اثبات باشد یا نباشد» فروکاسته می‌شود (Eagleton, 2009, p.6). در بیانی مشابه، آنتونی کنی این جریان را احیاکننده معرفت‌شناسی خودمتناقض پوزیتویسم منطقی می‌داند که همه معرفت‌های جهان را به رشته فیزیک تقلیل می‌دهد (see: Kenny, 2012).

به‌رغم اینکه پوزیتویسم منطقی دیگر جریان غالب در غرب محسوب نمی‌شود، قابل انکار نیست که تأثیرهای عمیق و پایداری بر تفکر اندیشمندان غربی گذاشته است (see: Creath, 2022). آنتیسم جدید نیز در واقع از همین زمینه فکری برای تقویت مدعاهای خود استفاده می‌کند.

۲-۳. مخفی شدن در لباس علوم تجربی

سران‌الحداد جدید عمده‌تاً به تخصص در رشته‌های علمی شناخته می‌شوند. سم هریس عصب‌شناس است. دنیل دنت متخصص علوم شناختی، فلسفه ذهن و فلسفه زیست‌شناسی است و در همین‌راستا در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۱ م به جایزه جین نیگد و جایزه مغز و ذهن دست یافته و در سال ۲۰۱۲ م به خاطر «توانایی انتقال اهمیت علم و تکنولوژی به عموم مردم»، به جایزه آراسموس رسیده است. داوکینز پیش از آنکه در موضوع الحاد قلم بزند، به‌عنوان یک زیست‌شناس شناخته می‌شد که ایده ژن‌محوری را در تکامل زیستی تقویت می‌کرد. او در سال ۱۹۸۹ م به خاطر کارهایش در مورد جانورشناسی، از سوی انجمن جانورشناسان لندن مدال دریافت می‌کند و یکی از افراد موفق در ترویج عمومی علم است. در سال ۱۹۹۰ م جایزه فارادی را می‌برد. این جایزه به کسانی تعلق می‌گیرد که در انتقال علم به مخاطبان بریتانیایی عملکردی عالی داشته باشند. در همین‌راستا در سال ۱۹۹۵ م به‌عنوان استاد درک عمومی علم در دانشگاه آکسفورد منصوب شد و تا سال ۲۰۰۸ م در این سمت باقی ماند (see: University of Oxford, 2016). وقتی به افراد دیگری که به این جریان پیوسته‌اند، می‌نگریم، باز هم متخصصان در علوم تجربی را می‌یابیم؛ مثلاً ویکتور استنجر نویسنده کتاب «خدا: فرضیه رد‌شده»، فیزیکدان و ستاره‌شناس است. لورنس کراوس نویسنده کتاب «جهانی از هیچ»، فیزیکدان دیگری است که با این گروه همکاری می‌کند. اجتماع این افراد، چهره علمی موجهی به این جریان می‌دهد که مخاطبان را جذب خود می‌کند.

شکی نیست علوم تجربی همچون فیزیک، کیهان‌شناسی و زیست‌شناسی، برای بسیاری از مردم جذاب‌اند. وقتی آنتیسم‌ها مطالب خود را آمیخته به یافته‌های تجربی بیان می‌کنند، بسیاری

را به خود جذب می‌کنند. از سویی تخصص آنها در رشته‌های خاص باعث می‌شود مخاطبان ناخودآگاه‌گرنشی در مقابل آنها داشته باشند و سخن آنها را بپذیرند. هنرمندی این افراد در ارائه دیدگاه فلسفی خویش در قالب و کالبد علوم تجربی، باعث می‌شود بسیاری از مخاطبان توان تفکیک میان پیش‌فرض‌های فلسفی سخن آنها و یافته‌های محض تجربی را نداشته باشند و مدعای متافیزیکی آنها را به‌عنوان یک یافته تجربی و آزمایشگاهی بپذیرند. پیترو ویلامز فیلسوف انگلیسی به‌خوبی این وضعیت را توصیف کرده است: «تنها از طریق آمیختن علم با علم‌گرایی است که آنتیست‌های جدید دارای صلاحیت فضل‌فروشی در مسائل متافیزیکی می‌شوند!» (Williams, 2013, p.192).

۲-۴. همبستگی اجتماعی و مهارت در به‌کارگیری ترفندهای رسانه‌ای و تبلیغاتی

یکی از وجوه تمایز الحاد جدید از نسخه پیشین آن، تلاش گسترده برای گفتمان‌سازی در توده مردم است. از قضا شروع آنتیسم جدید همزمان با رشد شبکه‌های اجتماعی همچون فیس‌بوک، توئیتر و یوتیوب در دهه اول قرن بیست و یکم بود. ملحدان جدید به‌خوبی از این بستر برای ترویج تفکرات خویش استفاده کردند (Bullivant & Ruse, 2021, p.1025). وقتی به رهبران این جریان نظر می‌کنیم، می‌بینیم مهارت‌های رسانه‌ای قابل توجهی دارند. سم هریس مناظرات گوناگونی با اندیشمندان سرشناس مانند جردن پترسون، ویلیام کریگ، بن شیرو و... انجام داده که در یوتیوب بازدیدهای بسیاری داشته است. او همچنین از سال ۲۰۱۳م پادکست بیداری را اجرا می‌کند که شنوندگان بسیاری دارد. در این بستر نیز هریس مهمانان معروفی همچون دیوید چالمرز و جانا لوین را به پادکست خود دعوت کرده است. در سال ۲۰۱۹م هریس از سوی مجله واتکینز در لیست صدنفره افراد تأثیرگذار معنوی جهان در رتبه سیزدهم قرار می‌گیرد. این لیست بیشتر بر اساس میزان جست‌وجو شدن و مطالعه شدن شخصیت افراد توسط کاربران اینترنتی تنظیم شده است (see: Russell, 2019).

همان‌گونه که پیش‌تر اشاره شد، داوکینز جوایز متعددی به‌خاطر عمومی کردن دانش دریافت کرده است. این جوایز نشان‌دهنده توانایی بالای داوکینز در بیان همه‌فهم و شیوای مطالب دقیق علمی است. کتاب‌های او مملو از استعاره‌ها، مثال‌ها و تشبیهات جذاب است. به‌گفته داوکینز در بیوگرافی اش، تا سال ۲۰۱۵م بیش از سه میلیون نسخه از کتاب «پندار خدا» فروخته شده و کتاب به بیش از سی زبان ترجمه شده است (Dawkins, 2015, p.173). او نیز مشابه هریس در سال ۲۰۰۷م در لیست صد فرد تأثیرگذار از نظر مجله تایم قرار گرفت (see: Behe, 2007). علاوه بر

سخنرانی‌های متعدد و مناظره با افراد مشهوری همچون پیرس مرگان و جان لنوکس، یکی از فعالیت‌های او ساخت مستندهای تلویزیونی مانند «ساعت‌ساز نابینا»، «نوارهای الحاد»، «سؤالات بزرگ»، «ریشه همه شرها»، «دشمنان استدلال» و... است که در تلویزیون انگلیس و شبکه بی‌بی‌سی پخش شده است. شخصیت رسانه‌ای داشتن در دیگر افراد این جریان نیز به خوبی دیده می‌شود. هیچ‌ز روزنامه‌نگار است و در برنامه‌های تلویزیونی و تصویری بسیاری شرکت کرده است. همین وضعیت در مورد لورنس کراوس و ویکتور استنجر نیز وجود دارد. اضافه شدن رمان‌نویسان و فیلمنامه‌نویسان معروف بریتانیایی به این جریان را نباید در ارتقای بُعد رسانه‌ای و ادبی آن مورد غفلت قرار داد؛ کسانی همچون ایان مک‌یون، مارتین آمیس و فیلیپ پولمن که هر یک جوایز متعددی در زمینه کاری خود دریافت کرده‌اند.

یکی از اقداماتی که رهبران این جریان به‌ویژه داوینز بسیار بر آن تأکید دارند، فراخواندن عموم مردم برای اظهار و آشکارکردن تفکرات آتئیستی خود می‌باشد. آنها می‌کوشند تجمعات گوناگون آتئیستی راه بیندازند و مدام بزرگی جمعیت خود را اثبات کنند؛ مانند تجمع حدود بیست هزار نفری آنها در واشنگتن در سال ۲۰۱۲م و تجمع محدودتر آنها در سال ۲۰۰۲م. این تجمعات همراه با جذابیت‌های خاصی است؛ مثلاً در تجمع سال ۲۰۱۲م هنرپیشه‌هایی همچون دیوید سیلورمن انیماتور و کارگردان امریکایی، بیل ماهر کم‌دین امریکایی، پن جیلت شعبده‌باز و کم‌دین، تیم مینچین موسیقین استرالیایی، گروه راک موسوم به «دین بد»، ادی ایزارد کم‌دین انگلیسی و آدام ساویچ مجری تلویزیون حضور داشتند و به‌همراه داوینز از بی‌خدایان می‌خواستند از لاک خود درآیند و فعال‌تر عمل کنند (see: Barber, 2012 / Smith & Cimino, 2014).

آمارها درباره جمعیت‌شناسی خداناباوران بسیار ضد و نقیض است، اما داوینز دائماً آمارهایی که تعداد آتئیست‌ها در میان مردم یا دانشمندان زیاد جلوه می‌دهند را یادآوری می‌کند و با این کار تلاش می‌کند این حس را به مخاطبان القا کند که آتئیست‌ها فراوان‌اند و هر روز زیادتر می‌شوند (Dawkins, 2006, p.5 / Smith & Cimino, 2014)؛ بدین ترتیب انسان‌های تأثیرپذیر که در میانه خداباوری و بی‌خدایی قرار دارند، ممکن است ناخواسته احساس هم‌نوایی کنند و به این جریان بپیوندند.

سران الحاد جدید به‌خوبی توانسته‌اند یک گروه اجتماعی نسبتاً منسجم و فعال را شکل دهند. آنها دور هم جمع می‌شوند، سرمایه مالی جذب می‌کنند، همایش‌های متعدد برگزار می‌کنند و به فعالان در این عرصه جایزه می‌دهند؛ مثلاً از سال ۲۰۰۳م اتحاد بین‌المللی آتئیست‌ها، سالانه کنفرانس برگزار می‌کند و با اعطای جایزه، از یک ملحد برجسته که در آن سال بیشترین تلاش را

کرده باشد، تقدیر می‌کند. این پاداش به «جایزه داوکینز» معروف است (see: cfi, 2024). آنها بسیار متحدند و بسیار یکدیگر را تأیید می‌کنند و بر کتاب‌ها و آثار یکدیگر تقریظ می‌نویسند. امیلسن می‌گوید:

آنچه در مورد آنتیست‌های جدید بسیار قابل توجه است، شیوه‌ای است که آنها همدیگر را معرفی می‌کنند، کتاب‌های همدیگر را بازخوانی می‌کنند، کتاب‌هایشان را به هم تقدیم می‌کنند، به کتاب‌های همدیگر استناد می‌دهند و بسیار بسیار زیاد همدیگر را تبلیغ می‌کنند (Emilsen, 2012, p.522).

۲-۵. بهره‌برداری از حمایت جنبش‌های سکولار و لیبرال

«سکولاریسم» و «لیبرالیسم» از مفاهیم بسیار جاافتاده و پذیرفته شده در مغرب زمین است. یکی از ظرفیت‌هایی که جریان الحاد جدید از آن به خوبی بهره‌برداری کرده، جریان‌های سکولار بوده است. سکولاریسم عمدتاً با شعار جدایی دین از سیاست شناخته می‌شود، ولی عملاً نوعی گرایش به بی‌دینی و بی‌خدایی یا حمایت از کسانی که چنین گرایش‌هایی دارند، در بطن آن دیده می‌شود. لیبرالیسم نیز از آزادی بیان حمایت می‌کند و این خود دلیلی کافی است برای اینکه جنبش‌های لیبرال از آنتیست‌ها به خاطر بیان عقاید الحادی خویش و حتی تمسخر عقاید دینی، تشکر کنند. برخی محققان غربی اساساً پیدایش الحاد جدید را واکنشی به افزایش تأثیر مذهب بر سیاست در اوایل قرن بیست و یکم می‌دانند که در فعالیت احزاب راست مسیحی نمود یافته بود؛ وضعیتی که به‌عنوان یک خطر برای سکولاریسم تلقی می‌شد (Bullivant & Ruse, 2021, p.1019).

کریستوفر اسمیت از مشارکت فعال جنبش‌های سکولار در تجمع آنتیست‌ها خبر می‌دهد. آنها تجمع سال ۲۰۱۲م را «بزرگ‌ترین تجمع سکولار در تاریخ بشر» نامیدند و آنتیست‌ها را به خاطر ابراز عقاید خود و حتی تمسخر باورهای دینی تشویق کردند. آنتیست‌ها با بسیاری از نهادهای حامی سکولاریسم و لیبرالیسم همچون بنیاد آزادی از دین (FFRF)، مرکز پژوهش (CFI)، انجمن اومانیست آمریکا (AHA) و ائتلاف سکولار برای آمریکا ارتباط دارند و از حمایت‌های مالی و معنوی آنها برخوردارند. سخنگوی انجمن اومانیست آمریکا علت حمایت این سازمان از جنبش الحاد جدید را در این جمله خلاصه کرده است: «برای رسیدن به یک نوع بهتر اومانیسم، آنتیسم اولین قدم در مسیر است» (Smith & Cimino, 2014). یک نمونه جالب توجه، تغییر نام حزب ملی الحاد به حزب سکولار امریکاست. به‌گفته برنارد کلیش مسئول روابط عمومی حزب، این تغییر نام برای به‌دست آوردن کشش سیاسی بیشتر و تشکیل یک ائتلاف گسترده با دیگر سازمان‌های سکولار بوده است (see: Hallowell, 2013).

در امریکا و جوامع غربی شعار دموکراسی و برابری حقوق، بسیار ارزشمند تلقی می‌شود؛ بنابراین یکی از راه‌هایی که جنبش‌های مدنی می‌توانند خود را از نظر سیاسی برجسته کنند، تأکید بر تبعیض و نابرابری در حقوق است. آنتیست‌ها نیز خود را به‌عنوان اقلیتی معرفی کردند که در میان جامعه متخصص مذهبی نیاز به حقوق و حمایت بیشتری دارند. آنها خود را با سپاه‌پوستان، معلولان و همجنس‌گرایان مقایسه می‌کنند و می‌گویند جامعه پذیرفته است که به این گروه‌ها بی‌احترامی نکند، ولی هنوز بی‌احترامی به ملحدان، نادرست محسوب نمی‌شود. در همین راستا سازمان‌هایی همچون شبکه حمایت از رفع تبعیض علیه بی‌خدایان (ADSN) شکل گرفته‌اند. آنها می‌گویند ما می‌خواهیم جوامع آنتیستی را قدرتمند کنیم تا قربانی تعصب نشوند (see: Smith & Cimino, 2014).

شاهد بر این همبستگی و هم‌افزایی، جوایزی است که سران الحاد از سوی نهادهای سکولار و طرفدار آزادی بیان دریافت کرده‌اند. مرکز پن امریکا (PEN America) که با هدف حمایت از آزادی بیان و آزادی قلم تشکیل شده است، در سال ۲۰۰۵م به کتاب سم هریس و در سال ۲۰۱۲م به هیچنز جایزه داد (see: PEN America, 2005 & 2012). ریچارد داوکینز، دنیل دنت و لورنس کراوس در سال‌های ۱۹۹۶، ۲۰۰۴ و ۲۰۱۵م جایزه انسان‌گرایی سال را از انجمن اومانیست امریکا دریافت کرده‌اند. داوکینز در سال‌های ۲۰۰۱ و ۲۰۱۲م، هیچنز، دنت، آیان هیرسی و سلمان رشدی در سال‌های ۲۰۰۷، ۲۰۰۸، ۲۰۱۰ و ۲۰۱۸م، جایزه «امپراتور هیچ لباسی ندارد» را از بنیاد آزادی از دین دریافت کرده‌اند (see: Freedom from Religion Foundation, 2024). بنیاد دنیس و ویکتوریا راس (DVRF) از سال ۲۰۱۵م جایزه‌ای را با عنوان «جایزه هیچنز» بنیان‌گذاری کرد. این جایزه هر ساله به نویسنده‌ای تعلق می‌گیرد که آثارش تعهد به آزادی بیان و آزادی پژوهش را بدون توجه به پیامدهای شخصی یا حرفه‌ای آن نشان دهد. نام‌گذاری این جایزه به جایزه هیچنز به‌روشنی مشخص می‌کند که سران الحاد جدید توانسته‌اند خود را به‌عنوان نمادهای آزادی بیان و مبارزه با تبعیض جا بیندازند (see: DVRF, 2024).

۳. عوامل افول آنتیسم جدید

با وجود تأثیرگذاری قابل توجه و انتشار گسترده آثار ملحدان جدید، از سال ۲۰۱۵م زمزمه‌هایی درباره افول این جریان به گوش می‌رسد. در این سال، سایت جمهوری جدید در مقاله‌ای با عنوان «آیا آنتیسم جدید مرده است؟»، طبق برخی داده‌های آماری ادعا کرد تنش شدید میان بی‌خدایان و خداپاوران کاهش یافته است (see: Bruenig, 2015). سال ۲۰۱۶م دیوید ویلسون زیست‌شناس

بی‌خدا در صفحه شخصی خود نوشت: به نظر می‌رسد جهان از جنبش الحاد جدید خسته شده است (see: Wilson, 2016). سال ۲۰۱۷م می‌ریز زیست‌شناس امریکایی که پیش‌تر خود را یک آتنیست جدید خوانده بود، مقاله‌ای با عنوان «آتنیسم جدید مرده است» منتشر کرد و از این جریان به شدت انتقاد کرد (see: Myers, 2017). به‌طور مشابه در همان سال امیل فیل تورس فیلسوف امریکایی از این جریان جدا شد و کنش‌ها و اظهارات سران الحاد جدید را نقد کرد (see: Torres, 2017). سباستین میلبانک سردبیر اجرایی مجله منتقد در سال ۲۰۲۲م اظهار کرد: «آتنیسم جدید به‌عنوان یک جنبش، شکست خورده و روح خود را از دست داده است، گرچه ماتریالیست که زیربنای آن بود، به‌طور ظریف‌تر و قوی‌تر باقی مانده است» (see: Milbank, 2022). در سال ۲۰۲۳م آیان هیرسی که از سران الحاد جدید محسوب می‌شد، اعلام کرد که به مسیحیت پیوسته است. سارا جونز نویسنده امریکایی این کار را نوعی «نان به نرخ روز خوردن» تلقی کرد. از دید جونز، هیرسی با الحاد جدید تبدیل به چهره و ستاره شد و اکنون که تب و تاب الحاد جدید خوابیده است، او نیاز به یک وسیله نقلیه جدید برای ستاره ماندن دارد (see: Jones, 2023). همه این شواهد نشان می‌دهد در ده سال اخیر الحاد جدید پویایی و جایگاه خود را در جامعه امریکا و انگلیس از دست داده است. در ادامه عوامل این افول را بررسی خواهیم کرد:

۳-۱. ضعف بنیه فلسفی و الهیاتی

بیشتر رهبران الحاد جدید، متخصصان علوم تجربی بودند و در فلسفه یا فلسفه دین مطالعه عمیقی نداشتند. آنها در مقام نقد دیدگاه‌های متافیزیکی و الهیاتی، به فهم عرفی و سطحی خویش از مباحث فلسفی اکتفا کردند. این امر عملاً باعث شد گفتمان مذکور از ابتدا دارای فقر فلسفی باشد. مایکل روس فیلسوف زیست‌شناس دانشگاه فلوریدا در مقاله‌ای با عنوان «چرا من فکر می‌کنم آتنیسم جدید یک فاجعه خونین است» می‌گوید: «ریچارد داوکینز حتی اگر در دوره‌های مقدماتی مطالعه فلسفه که در سراسر جهان در دانشگاه‌ها و مؤسسات آموزشی ارائه می‌گردد، شرکت کند، مردود می‌شود!» (see: Rose, 2009).

ماسیمو پیگلیوچی فیلسوف و زیست‌شناس ایتالیایی نیز همین سخن را درباره این جریان گفته است: به نظر من واضح است که بیشتر ملحدان جدید - به استثنای فیلسوفان حرفه‌ای میان آنها - به احتمال زیاد بدون خواندن یک مقاله حرفه‌ای در این باره، درباره فلسفه اظهار نظر می‌کنند. من تا آنجا پیش می‌روم که بگویم بسیاری از رهبران جنبش الحاد جدید، ضد روشنفکری‌اند که یکی از نشانه‌های آن این است که به اهمیت و ارزش حوزه‌های دیگر دانش بشری، احترام نمی‌گذارند (Pigliucci, 2013, pp.151-152).

سال گذشته در وبسایت ردیت - مربوط به اخبار اجتماعی امریکا - تاپیکی درج شده که به خوبی گویای این ضعف فلسفی است. نویسنده تاپیک این گونه می پرسد: «چرا فیلسوفان علاقه‌ای به سم هریس ندارند؟ من یک دوره آموزشی فلسفه را می گذرانم. بیشتر پروفیسورهای فلسفه که اینجا هستند، سم هریس را تحقیر می کنند. هم نظراتش را ردّ می کنند و هم اینکه او را صرفاً یک آدم رسانه‌ای و مشهور می دانند. آیا شما هم همین برداشت را دارید؟». بیشتر پاسخ دهندگان تقریباً این سخن را تأیید می کنند و جملاتی از این دست ابراز می دارند:

- او به این خاطر تحقیر می شود که فلسفه را خوب بلد نیست، اما درعین حال با اعتماد به نفس

بالایی ادعا می کند که بعضی از مسائل مهم فلسفه را حل کرده است!

- من قبلاً که کتابش را خواندم، مریدش شده بودم. فکر می کردم کتابش خیلی خوب است؛ چون آن تنها کتابی بود که در آن زمینه خوانده بودم، اما الآن می دانم که آن کتاب خوبی نبود. دلیل اینکه او فیلسوف بدی است این است که دیدگاه‌های مخالف خودش را اصلاً جدی نمی گیرد و در نتیجه استدلالی در ردّ آن دیدگاه‌ها نمی آورد ... او تمایل دارد استدلال‌های مقابل را نادیده بگیرد. کسانی که با موضوع آشنا نیستند، اغلب فکر می کنند که حق آشکار با اوست، اما او به جای درگیر شدن با استدلال‌های خوب طرف مقابل، بیشتر با استدلال‌های ضعیف پهلوان پنبه‌ای درگیر می شود.

- هریس دنبال کننده‌های زیادی دارد، چون در بازاریابی خودش موفق بوده، نه چون یک فیلسوف خوب است.

در نهایت نیز نوشته شده است: «این تاپیک به دلیل عبور از قوانین انتقاد سازنده، بسته شده است!» (see: Reddit, 2023). تاپیک مشابهی با عنوان «چرا فیلسوفان سم هریس را دوست ندارند؟» با پاسخ‌های نسبتاً مشابه در سایت کورا نیز دیده می شود (see: Quara, 2022). این واکنش‌ها نشان می دهد ضعف فلسفی او و دیگر ملحدان جدید تا اندازه‌ای برای مخاطبان آشکار شده و جایگاه قبلی خود را از دست داده اند.

۳-۲. ناتوانی در معنابخشی به زندگی

بسیاری از جامعه‌شناسان، عصر حاضر را عصر بحران معنویت نامیده‌اند. در این عصر انسان‌ها پاسخ‌های رضایت‌بخشی برای پرسش‌های اساسی زندگی ندارند (see: Berkowitz, 2023). به نظر می رسد نیاز به معنویت یکی از نیازهای بنیادین انسان است؛ بر همین اساس در اواخر قرن بیستم سازمان جهانی بهداشت، معنویت را به عنوان بُعد چهارم سلامت انسان به رسمیت شناخت (Dhar, et al, 2013, p.3). روشن است دین و باور به خدا، منبع بزرگی برای

معنابخشی به زندگی انسان است، ولی آتئیست‌ها از چنین منبعی محروم‌اند و به‌همین دلیل به‌دنبال منبعی جایگزین برای آن می‌گردند. کسانی همچون استیون جی گولد اگرچه اعتقادی به خدا ندارند، ولی با طرح بحث «قلمروهای ناهمپوشان» می‌کوشند از دین همچنان در معنابخشی به زندگی استفاده کنند، بدین‌صورت که معرفت‌بخشی را از دین سلب می‌کنند، ولی همچنان دین را به‌عنوان منبع اخلاق و معنویت حفظ می‌نمایند، اما ملحدان جدید به‌شدت با این رویکرد مخالف‌اند و دین را حتی به‌لحاظ کارکردی نیز مفید نمی‌دانند و به‌همین خاطر آنها نیازمند تأسیس یک منبع جایگزین با همین کارکردند. وقتی به آثار سران الحاد نظر می‌کنیم، بخش قابل توجهی از آن به تبیین اخلاق و معنویت بدون خدا می‌پردازد. این امر یعنی آنها نیز می‌دانند برای اینکه تئوری‌شان مقبول واقع شود، باید این خلأ را به‌خوبی پُر کنند.

به‌نظر می‌رسد نئوآتئیسم در پُرکردن این خلأ، ناکام بوده است. شاهد قابل توجه در این‌باره بازگشت آیان هیرسی از آتئیسم است. او در سال ۲۰۲۳م اعلام کرد مسیحی شده است. وقتی از او درباره علت این چرخش پرسیده می‌شود، نیازمندی به معنویت و عشق را بیان می‌کند (see: Hirsi, Ali & Dawkins, 2024). به‌تعبیر راس دوتات ستون‌نویس نیویورک تایمز: «او احساس طولانی‌مدت زندگی بدون آرامش معنوی را غیرقابل تحمل می‌دانست» (see: Douhat, 2023). دوتات با اشاره به تحقیقات آرانورنزیان، این چرخش را یک نیاز طبیعی و منطقی برای جامعه سکولار می‌شمارد، ولی معتقد است این نیاز صرفاً برآمده از ریشه‌های روان‌شناختی نیست، بلکه مبتنی بر نوعی درک شهودی - عرفانی در ما انسان‌هاست که تبیین‌های طبیعی برای آن ناکافی‌اند. یک پدیده جالب در جامعه آتئیست‌ها شکل‌گیری کلیساهای آتئیستی است. این کلیساهای بدون داشتن مذهب می‌کوشند همان خدمات را ارائه دهند. آنها به‌رغم اینکه به وجودی ماوراء طبیعی باور ندارند، اجتماعاتی‌اند که می‌خواهند روح اجتماعی و شکل رفتاری برآمده از تجربه دینی را همچنان حفظ نمایند و آن کاری را بکنند که جوامع دینی می‌کنند (see: The Week, 2018). این پدیده اجتماعی خود مؤید بی‌بدیل بودن کارکرد جامعه دینی در معنابخشی به زندگی است. جاناتان ساکس در کتاب «Science, Religion, and the Search for Meaning» (علم، دین و جست‌وجوی معنا) در نقد الحاد جدید استدلال می‌کند که علم و دین، دو نیاز ضروری برای جامعه‌اند و هیچ‌یک جای دیگری را نمی‌گیرد (Sacks, 2011, p.9).

۳-۳. ارائه چهره‌ای غیرعقلانی

شعار اصلی آتئیسم جدید، تبعیت از علم و عقل است. آنها می‌گویند باید هر چیزی را که ادله و

شواهد تأیید می‌کنند، بپذیریم و هر چیزی که شاهدهی ندارد، کنار بگذاریم. صرف نظر از اینکه آنها فقط شواهد تجربی و آزمایشگاهی را به رسمیت می‌شناسند، این رویکرد یک وجهه عقلانی و دلیل محور از این جریان را به نمایش گذاشت، ولی با گذشت زمان مشخص شد نوعی بنیادگرایی و تعصب در بطن این جریان نهفته است.

یکی از ویژگی‌های پُررنگ آتئیسم جدید، توهین، تحقیر و مسخره کردن باورهای دینی است. آنها این کار را به عنوان یک سیاست در فعالیت خویش در نظر می‌گیرند و با این کار می‌کوشند حریمی را که برای باورهای دینی وجود دارد، بشکنند. داوکنیز و دیگران در تجمع آتئیستی خود در سال ۲۰۱۲م آشکارا از مخاطبان خود درخواست می‌کردند اعتقادات مذهبی را مسخره کنند. در همین مراسم گروهی اعتقاد به «بازگشت حضرت عیسی (ع)» را به تمسخر گرفتند و همراه با رقص و آهنگ، این آموزه را با کنایه‌های جنسی مخلوط کردند. جمعیت دور آنها دست می‌زدند و یک عروسک با لباس بزرگ - به عنوان حضرت عیسی (ع) - می‌رقصید. این اقدامات باعث واکنش‌های انتقادی بسیاری شد. منتقدان می‌گفتند این شیوه از ترویج آتئیسم به هیچ عنوان با شعار عقلانیت و دلیل محوری آنها تناسب ندارد (see: Barber, 2012 / Smith & Cimino, 2014).

دیوید ویلسون نشان می‌دهد آتئیسم جدید اگرچه ادیان را به بنیادگرایی متهم می‌کند، گرفتار بنیادگرایی و تعصب شده است. آنها بدون تحقیق کامل درباره منشأ پیدایش دین و اخلاق و فرضیات ممکن، بر دیدگاه خویش پافشاری می‌کنند (see: Wilson, 2016). امیل تورس نمونه‌های متعددی از ادعاهای بدون دلیل و غیر مستند سران الحاد را ذکر می‌کند. او همچنین انتقادناپذیری آنان را مخالف شعار ادعایی‌شان می‌بیند:

آنها با صدای بلند اعلام می‌کنند که از آزادی بیان حمایت می‌کنند و در عین حال به طور معمول مخالفان را از رسانه‌های اجتماعی، وبلاگ‌ها و وبسایت‌ها منع می‌کنند. آنها می‌گویند به واقعیت‌ها اهمیت می‌دهند، اما وقتی داده‌های مخالف با دیدگاه‌شان آشکار می‌شود، از تغییر باورشان امتناع می‌کنند. آنها کسانی را که در خارج حوزه کاری خود قاطعانه اظهار نظر می‌کنند، محکوم می‌کنند و همچنان احساس می‌کنند کاملاً حق دارند درباره مسائلی که اطلاعات کمی پیرامون آن دارند، با اعتماد به نفس ادعاهای محکمی داشته باشند. این جنبش نئوآتئیسم امروز است، دشمن بزرگ تفکر انتقادی. قبیله‌گرایی چسب اجتماعی این جامعه آتئیستی شده است (see: Torres, 2017).

لغت‌نامه اربن در توصیف آتئیست‌های اینترنتی می‌گوید: «آنها هیچ اشکالی در توهین آمیز بودن شوخی‌های‌شان با افراد مذهبی نمی‌بینند، ولی وقتی خودشان مورد شوخی قرار می‌گیرند، فاقد

حس شوخ‌طبعی‌اند» (Bullivant & Ruse, 2021, p.1038). بسیاری از منتقدان، عدم رعایت اصول تفکر انتقادی، نشنیدن صدای مخالفان و انتقادناپذیری و لفاظی جزم‌اندیشانه و ستیزه‌جویانه را از ویژگی‌های آتیسیسم جدید شمرده‌اند (Bullivant & Ruse, 2021, pp.1014-1017). جاناتان ساکس می‌گوید:

روش‌شناسی آتیسیسم جدید شامل نقد دین بدون فهمیدن آن، نقل متون بدون در نظر گرفتن زمینه و سیاق آنها، استثنائات را به‌عنوان قانون در نظر گرفتن، اشتباه‌گرفتن باور عامیانه با الهیات عمیق، سوء استفاده‌کردن، مسخره و استهزاء‌کردن، کاریکاتوری و شیطانی جلوه‌دادن ایمان دینی و مسئول‌دانستن آن برای همه جنایات بزرگ علیه بشریت است (Sacks, 2011, p.11).

۳-۴. تضاد با پُست‌مدرنیسم

پُست‌مدرنیسم به مجموعه‌ای از جریان‌ات فکری و فرهنگی اشاره دارد که مدعی شکست مدرنیسم‌اند. آنها بر راه‌های گوناگونی که می‌توان به اشیا نگاه کرد، تأکید می‌کنند و دسترسی به یک جهان عینی و مستقل از چهارچوب‌های ذهنی ما را به‌چالش می‌کشند. به‌گفته آنها فرهنگ و زمینه‌های شخصی در شکل‌گیری زاویه دید ما به جهان تأثیرگذارند. آنها هرگونه روایت بنیادین از جهان را ردّ می‌کنند و از تکثر فرهنگی و خرده‌روایت‌ها دفاع می‌کنند. حمایت آنها از تکثر فرهنگی در ابتدای پیدایش نئوآتیسیسم، به‌نوعی کمک‌کننده این جریان نوپا بود (Bullivant & Ruse, 2021, p.1018)، ولی انحصارگرایی الحاد جدید که متضمن نفی هرگونه جهان‌بینی دیگر بود، تناسبی با پُست‌مدرنیسم نداشت و به‌تدریج انتقاد پُست‌مدرن‌ها را روانه این جریان کرد.

شعار علم‌گرایی آتیسیسم جدید کاملاً در تضاد با پُست‌مدرنیسم است. علم نیز همچون هر نهاد دیگری بر پایه یک‌سری چهارچوب‌های نظری شکل گرفته است که ریشه در مقولات فرهنگی خاصی دارد و نمی‌توان آن را آینه تمام‌نمای واقعیت به‌حساب آورد. ازاین‌منظر آتیسیسم جدید نه‌تنها جدید نیست، بلکه یک پسماند از دوره منسوخ‌شده مدرنیسم است (Bullivant & Ruse, 2021, p.1017). برای همین پُست‌مدرنیست‌ها همچون جان‌گری و اسلاوی ژیزک، آتیسیسم جدید را به‌خاطر بنیادگرایی، سطحی‌بودن در فهم دین و نقش آن در جامعه و عدم توجه به پیش‌فرض‌های نظریات علمی نقد می‌کنند (see: Gray, 2018 / Jones, 2015 / King Philosophy, 2017).

ژان لوک ناسی می‌گوید کسانی که علم را در مقابل اسطوره قرار می‌دهند، از خود علم نیز عقب مانده‌اند. علم مدرن به‌طور فزاینده‌ای این موضوع را درک می‌کند که خود در حال تولید داستان‌ها و فرضیه‌هایی است که همیشه کامل و بی‌نقص نیستند؛ بنابراین مرز میان علم و داستان‌سرایی - یا

اسطوره‌سازی - به آن اندازه که تصور می‌شود، شفاف و قطعی نیست (see: European Journal of Psychoanalysis, 2024)؛ به‌طور متقابل سران الحاد جدید مانند داوکینز و هریس نیز به نقد پُست مدرنیسم پرداخته‌اند. سباستین میلبانک می‌گوید: «دنیای آنتیسم جدید هرگز با تأثیر فزاینده رشته‌های جامعه‌شناختی که غرق در فلسفه پُست مدرن و همدردی شدید با اقلیت‌های قومی (اغلب بسیار مذهبی) هستند، تناسب نداشت» (see: Milbank, 2022).

۳-۵. عدم رعایت نزاکت سیاسی و اخلاقی

نزاکت سیاسی (Political Correctness) به معنای رعایت آداب و ملاحظات مناسب در سخن‌گفتن و عمل کردن است؛ به‌گونه‌ای که اقلیت‌های نژادی، مذهبی و... نرنجند. آنتیسم جدید از همان ابتدا بر پایه تجویز و ترویج توهین و تمسخر دین شکل گرفت، ولی بی ملاحظه‌گی این گروه نسبت به آزار دیدن متدینان باعث شد این روحیه در این گروه بیشتر و شدیدتر شود و محدود به تمسخر دین باقی نماند. عدم رعایت نزاکت سیاسی به ضمیمه حساسیت‌های جامعه غربی باعث شد این جریان به تدریج برچسب زن‌ستیزی و نژادپرستی بخورد و عملاً بسیاری از طرفداران خود را از دست بدهد.

تجمع‌های آنتیستی معمولاً به تجمع مردان سفیدپوست عصبانی شناخته می‌شود. تحقیقات نشان داده است سیاه‌پوستان و زنان، تمایل کمتری به آنتیسم دارند (Bullivant & Ruse, 2021, pp.1066-1068). این تصویر اولیه از جمع‌های آنتیستی وقتی به برخی اظهارات نژادپرستانه مشاهیر الحاد جدید ضمیمه شود، آنها را از دایره عدالت اجتماعی خارج می‌کند. سم هریس در یکی از پادکست‌های خود ادعا می‌کند سیاه‌پوستان بهره‌هوشی کمتری نسبت به سفیدپوستان دارند. او در نوشته‌ای با نام «ما در جنگ با اسلام هستیم»، پیشنهاد پُرحاشیه‌ای درباره بازرسی ویژه از مسلمانان در فرودگاه‌ها می‌دهد. در جایی دیگر او می‌گوید: آنتیسم جدید، زنان را شامل نمی‌شود؛ چون حس و حال استروژن اضافی را ندارد. مجموعه این اظهارات باعث شد او به نژادپرستی، اسلام‌هراسی و زن‌ستیزی متهم شود (see: Torres, 2017). یکی از زنان آنتیست پس از کنفرانس بی‌خدایان در سال ۲۰۱۱م، درخواست نامتعارف یکی از مردان از او در ساعت چهار صبح در آسانسور هتل را علنی کرد، ولی داوکینز با کوچک‌انگاری این واقعه، آن را بسیار بهتر از وضعیت زنان مسلمان خواند و گفت: «دست از غُر زدن بردارید!». واکنش داوکینز در بی‌اهمیت جلوه‌دادن اتفاق رخ داده بسیار مورد انتقاد قرار گرفت و ژست مدافع حقوق زنان بودن او را خدشه‌دار کرد (see: Lee, 2014). داوکینز در توثیقی جنجالی، زنان مست را به‌نوعی مقصر در «مورد تجاوز قرارگرفتن»

و «از دست دادن کنترل بدنشان» دانست. او همچنین گفت قربانیان تجاوز جنسی اگر مست بوده باشند، نباید ادعای شان مورد اعتماد قرار گیرد. این سخن به عنوان قبح‌زدایی از این عمل تلقی شد (see: Norris, 2014). در جریان جنبش MeToo بسیاری از مردان آنتیست سرشناس، متهم به سوء رفتار جنسی شدند. برخی سران الحاد جدید همچون لورنس کراوس و دیوید سیلورمن (رهبر گروه موسوم به «آنتیست‌های امریکا») به خاطر اتهامات جنسی از کار خود برکنار شدند. داوکنیز در مقام دفاع از موضع‌گیری‌های خویش عملاً وارد جبهه‌گیری علیه فمینیست‌ها شد و آنها را کسانی توصیف کرد که دنبال بهانه‌ای برای عصبانی شدن هستند. در سال ۲۰۱۶م، داوکنیز یک ویدیو یوتیوبی با نام «فمینیست‌ها عاشق اسلام‌گرایان‌اند» را به اشتراک گذاشت، با این مضمون که فمینیست‌ها بدشان نمی‌آید توسط مسلمانان مورد تجاوز قرار گیرند (see: Williams, 2016). در همان حال او به عنوان سخنران در کنفرانس شمال شرق در علم و شک دعوت شده بود، ولی به خاطر انتشار این ویدئو، از کنفرانس کنار گذاشته شد. در ادامه پیترو بوقاسیان فیلسوف امریکایی حامی نئوآنتیسم، اظهاراتی علیه فمینیست و هم‌جنس‌گرایی مطرح کرد که واکنش منفی به دنبال داشت (see: Torres, 2017). هم‌زمان با این جریان‌ها، آنتیست‌های اینترنتی مانند توماس جیمز - با نام مستعار آنتیست شگفت‌انگیز یا The Amazing Atheist - رفتار بسیار وحشیانه‌تر و زشت‌تری در مواجهه با زنان از خود نشان دادند که ماهیت ضد زن این جریان را بیشتر آشکار کرد. افزون‌بر این با گذار از دهه اول قرن بیست و یکم، اسلام‌هراسی کم‌کم به عنوان یک برچسب منفی و ضد عدالت اجتماعی تلقی شد، ولی سران الحاد جدید همچنان بر ادعاهای اسلام‌ستیزانه خود ادامه می‌دادند و به همین دلیل مورد نقد قرار می‌گرفتند. هریس و داوکنیز در پاسخ به اعتراضات مبنی بر کنش‌های اسلام‌هراسانه و زن‌ستیزانه خود، برای «نسبی‌گرایی اخلاقی پُست‌مدرن که آنتیسم جدید را در اقتدارگرایی با دین یکسان می‌داند»، ابراز تأسف کردند (Bullivant & Ruse, 2021, pp. 1027 & 1070). کنش‌های اجتماعی نامقبول سران الحاد جدید باعث شد انجمن اومانیست امریکا جایزه‌ای را که در سال ۱۹۹۶م به داوکنیز داده بود، در سال ۲۰۲۱م ملغی کند. همچنین جایزه سال ۲۰۱۵م لورنس کراوس نیز در سال ۲۰۱۸م لغو شد.

مجموعه این اقدامات باعث شد علاوه بر خروج زنان و رنگین‌پوستان از بدنه اصلی این جریان، بسیاری از خدانا‌باوران همچون دیوید ویلسون، میرز، فیل تورس، آدام لی و جی مکرایت که پیش‌تر از نئوآنتیسم حمایت می‌کردند، از این جریان اعلام براءت کنند و سعی در تشکیل دادن گروه‌های آنتیستی جدیدی همچون «آنتیسم پلاس» و «آنتیسم عدالت‌خواه» داشته باشند.

نتیجه

شرایط سیاسی و فرهنگی حاکم بر جامعه امریکا و غرب در پیدایش، رشد و افول آتئیسم جدید تأثیرگذار بوده است. در ابتدای قرن بیست و یکم و روی کار آمدن بوش پسر، شدت گرفتن جریان‌های اسلام‌ستیز در جهت سیاست‌های امریکا کلید خورد. الحاد جدید از هم‌نوایی و هم‌زمانی با اوج اسلام‌هراسی برای تقویت و گسترش خود بهره کافی برد؛ به همین دلیل با اینکه الحاد جدید با هرگونه دین مخالف است، مخالفت آنها با اسلام بیشتر و شدیدتر است. از نظر فکری این جریان بر سنت طبیعت‌گرایی تکیه دارد که تأثیرات عمیق و ماندگاری بر متفکران غربی گذاشته است. همچنین با توجه به اینکه سران این جریان از تخصص خوبی در علوم تجربی برخوردار بودند، توانستند از جذابیت این علوم برای تقویت ایده خویش استفاده کنند و ایدئولوژی خود را زیر پوست علم مخفی سازند.

از سوی دیگر شروع نئوآتئیسم هم‌زمان با رشد شبکه‌های اجتماعی بود. سران این جریان که خود در بُعد رسانه‌ای دارای توانایی‌های بالایی بودند، از این ظرفیت نیز به خوبی بهره بردند؛ همکاری گسترده با رمان‌نویس‌ها، فیلم‌نامه‌نویسان و برنامه‌سازهای تلویزیونی، ایجاد تجمعات آتئیستی همراه با جذابیت‌ها و سرگرمی‌های متعدد، تشویق آتئیست‌ها به آشکار شدن و ابراز عقیده، القای فزاینده بودن جمعیت آتئیست‌ها، حفظ انسجام گروهی، تأیید و حمایت از سخنان و آثار یکدیگر، برگزاری همایش‌های سالانه و اعطای جایزه به فعالان در این عرصه از جمله عوامل رشد این جریان بوده است. افزون‌براین آنها با «اقلیت مظلوم» خواندن خود و تبدیل شدن به نمادهای آزادی بیان و مبارزه با تبعیض، حمایت‌های مادی و معنوی جریان‌های سکولار، لیبرال و اومانیست را نیز به سوی خود جلب کردند.

از حدود سال ۲۰۱۵م آتئیسم جدید از دوران اوج خود فاصله گرفت و منتقدان بیشتری یافت. یکی از عوامل این نزول، ضعف بنیه فلسفی بیشتر سران الحاد و ناآگاهی آنها از مباحث دقیق الهیاتی بود که باعث تنزل جایگاه آنها نزد متفکران شد. از سوی دیگر آنها با نفی هرگونه کارکرد مثبت برای دین، در ارائه اخلاق و معنویت کاملاً ماتریالیستی در ماندند، تا آنجا که برخی آتئیست‌ها به خاطر نیازمندی به معنویت از این جریان خارج شدند و برخی دیگر به سمت ایجاد کلیساهای آتئیستی سوق یافتند.

نئوآتئیست‌ها با تمسخر بسیار زیاد و زننده دین، بیان ادعاهای غیرمستند، بزرگ‌نمایی‌های غیرمنطقی و ارائه چهره‌ای انتقادناپذیر و پرخاشجو از خود، نشان دادند که بر خلاف شعارشان پیرو عقلانیت و دلیل نیستند. از سوی دیگر انحصارطلبی ایدئولوژیک و علم‌گرایی آنها خلاف

پُست‌مدرنیسم بود که علم را صرفاً یک خُرده‌روایت در کنار خُرده‌روایت‌های دیگر و از جمله دین می‌دید، اما شاید مهم‌ترین عاملی که باعث شدت‌گرفتن انتقادات از این جریان شد، عدم رعایت نزاکت سیاسی از سوی سران این جریان و نیز حامیان میانی آنها بود. این رویه باعث شد آنها در کش و قوس‌های رسانه‌ای به زن‌ستیزی و نژادپرستی متهم شوند. همچنین حملات صریح و زننده آنها علیه اسلام که روزی عامل رشد آنها محسوب می‌شد، در یک دهه اخیر با نام‌حسوب‌شدن اسلام‌هراسی، به نقطه ضعف این جریان تبدیل شد.

References

1. Adler, Jerry, *The New Naysayers*. <https://www.newsweek.com/new-naysayers-109697>, 2010.
2. Ahuja, Anjana, *The Four Horsemen — polemics from the high priests of New Atheism*. <https://www.ft.com/content/f3238d46-4418-11e9-b83b-0c525dad548f>, 2019.
3. Atheist Foundation of Australia Inc, *Richard Dawkins, Daniel Dennett, Sam Harris & Ayaan Hirsi Ali*. <https://youtu.be/sOMjEJ3JO5Q?si=BFg9G4u1TD0PJGUE>, 2012.
4. Barber, La Shawn, *Richard Dawkins encourages atheists to mock and ridicule christians*. <https://wng.org/articles/richard-dawkins-encourages-atheists-to-mock-and-ridicule-christians-1618211247>, 2012.
5. Behe, Michael, *The 2007 TIME 100*. Richard Dawkins - The 2007 TIME 100 - TIME, 2007.
6. Berkowitz, Roger, *Our Spiritual Crisis*. <https://hac.bard.edu/amor-mundi/our-spiritual-crisis-2023-04-30>, 2023.
7. Beydoun, Khaled A, Exporting Islamophobia in the Global "War On Terror", *New York University Law Review*. 95: 81–100, 2020.
8. Bruenig, Elizabeth, *Is the New Atheism Dead?*. <https://newrepublic.com/article/123349/new-atheism-dead>, 2015.
9. Bullivant, Stephen; Ruse, Michael (eds), *The Cambridge History of Atheism*, Cambridge, Cambridge University Press, 2021.
10. cfi, *Richard Dawkins Award*. <https://centerforinquiry.org/richard-dawkins-award/>, 2024.
11. Cimino, Richard; Smith, Christopher, *Is mocking religion enough? Harris, Dawkins and the future of atheist/secular politics*.

https://www.salon.com/2014/12/06/is_mocking_religion_enough_harris_dawkins_and_the_future_of_atheistsecular_politics/, 2014.

12. Creath, Richard, *Logical Empiricism*, *Stanford Encyclopedia of Philosophy*. <https://plato.stanford.edu/entries/logical-empiricism/>, 2022.
13. Dawkins, Richard, *Brief Candle in the Dark: My Life in Science*, New York, Ecco, 2015.
14. Dawkins, Richard, *The God Delusion*, London & Toronto, Bantam Press, 2006.
15. Dawkins, Richard; Hirsi Ali, Ayaan, *Richard Dawkins vs. Ayaan Hirsi Ali: Political Christian or Truly a Christian?*, *The Poetry of Reality with Richard Dawkins*. <https://youtu.be/tO1SEFclZMU?si=yAjqegqzE97uwRbj>, 2024.
16. Dennett, Daniel, *Breaking the spell: Religion as a natural phenomenon*, New York, Penguin Group, 2006.
17. Dhar, Neera; Chaturvedi, S. K. ; Nandan, Deoki, Spiritual health, the fourth dimension: a public health perspective, *WHO South-East Asia J Public Health* 2: 3-5, 2013.
18. Douthat, Ross, *Where Does Religion Come From?*. <https://www.nytimes.com/2023/11/15/opinion/religion-christianity-belief.html>, 2023.
19. DVRF, *The Hitchens Prize*. <http://www.dvrf.org/hitchens-prize>, 2024.
20. Eagleton, Terry, *Reason, Faith, and Revolution: Reflections on the God Debate*, New Haven, Yale University Press, 2009.
21. Emilsen, William, The New Atheism and Islam, *The Expository Times* 123 (11): 521–528, 2012.
22. European Journal of Psychoanalysis, *Answers by Jean Luc Nancy*. <https://www.journal-psychoanalysis.eu/articles/answers-by-jean-luc-nancy/>, 2024.

23. Flynn, Tom, Why I Don't Believe in the New Atheism, *Free Inquiry* 30 (3): 7-43, 2010.
24. Freedom from Religion Foundation, *Emperor has no Clothes Award*. <https://ffrf.org/category/outreach/awards/emperor-has-no-clothes-award/>, 2024.
25. Freedom from Religion Foundation, *Freethought of the day*, Ayaan Hirsi Ali. <https://tl-ph.facebook.com/photo.php?fbid=10156078125339728&id=99536044727&set=a.10150694638624728>, 2017.
26. Gray, John, *Seven Types of Atheism*, London, Penguin Books, 2018.
27. Hallowell, Billy, *Atheist Political Party Makes Big Announcement, Wants 'Worldwide Network of Secular Organizations'*. <https://www.yahoo.com/news/atheist-political-party-makes-big-announcement-wants-worldwide-160151195.html>, 2013.
28. Harris, Sam, *The end of Faith: Religion, Terror, and the future of Reason*, New York & London, Norton & Company, 2004.
29. Haught, John, *God and the New Atheism: A Critical Response to Dawkins, Harris, and Hitchens*, Louisville, Westminster John Knox Press, 2008.
30. Hitchens, Christopher, *Hitch22*, London, Atlantic Books, 2010.
31. Italie, Hillel, *Christopher Hitchens, Sherman Alexie among National Book Award finalists*. <https://www.seacoastonline.com/story/news/local/portsmouth-herald/2007/10/14/christopher-hitchens-sherman-alexie-among/52772213007/>, 2007.
32. Jones, Kathleen, *Challenging Richard Dawkins*, Norwich, Canterbury Press, 2007.
33. Jones, Sarah, *The infidel Turned Christian*. <https://nymag.com/intelligencer/2023/11/ayaan-hirsi-alis-political-conversion.html>, 2023.
34. Jones, Simon Joseph, *Hegel Don't Bother Me, High Profiles*.

<https://highprofiles.info/interview/slavoj-zizek/>, 2015.

35. Kenny, Anthony, *True Believers*. <https://go.gale.com/ps/i.do?id=GALE%7CA667233716&sid=googleScholar&v=2.1&it=r&linkaccess=abs&issn=0307661X&p=LitRC&sw=w&userGroupName=anon%7Ed48dd0d0&aty=open-web-entry>, 2012.
36. King Philosophy, *Slavoj Zizek on New Atheism, Sam Harris, Richard Dawkins*. https://youtu.be/uADq9_iltew?si=OGQHCP55cI6sFV8S, 2017.
37. Lee, Adam, *Richard Dawkins has lost it: ignorant sexism gives atheists a bad name*. <https://www.theguardian.com/commentisfree/2014/sep/18/richard-dawkins-sexist-atheists-bad-name>, 2014.
38. Matusitz, Jonathan, *Communication in Global Jihad*, Oxfordshire, Taylor & Francis, 2020.
39. Milbank, Sebastian, *The strange afterlife of New Atheism*. <https://thecritic.co.uk/the-strange-afterlife-of-new-atheism/>, 2022.
40. Myers, Paul Zachary, *The New Atheism is dead*. <https://freethoughtblogs.com/pharyngula/2017/07/31/the-new-atheism-is-dead-long-live-atheism/>, 2017.
41. Nawaz, Maajid; Harris, Sam, *Islam and the Future of Tolerance: A Dialogue*, Cambridge, Harvard University Press, 2015.
42. Norris, Sian, *Richard Dawkins is wrong to suggest that there can be varying degrees of severity involved in rape*. <https://www.independent.co.uk/voices/comment/richard-dawkins-is-wrong-to-suggest-that-there-can-be-varying-degrees-of-severity-involved-in-rape-9635662.html>, 2014.
43. PEN America, *2005 Literary Awards Winners*. <https://pen.org/program/2005-literary-awards-winners/>, 2005.
44. PEN America, *2012 PEN/Diamonstein-Spielvogel Award*. <https://pen.org/program/2012-pendiamonstein-spielvogel-award/>, 2012.
45. Pigliucci, Massimo, *New Atheism and the Scientific Turn in the*

- Atheism Movement, *Wiley Periodicals, Inc.* 37 (1): 142-153, 2013.
46. Quara, *What's wrong with Sam Harris? Why do philosophers think Sam Harris is a joke? Isn't Sam Harris right about everything.* <https://www.quora.com/Whats-wrong-with-Sam-Harris-Why-do-philosophers-think-Sam-Harris-is-a-joke-Isnt-Sam-Harris-right-about-everything>, 2022.
47. Reddit, *Why don't philosophers like Sam Harris?*. https://www.reddit.com/r/askphilosophy/comments/16by0vp/why_dont_philosophers_like_sam_harris/, 2023.
48. Ruse, Michael, *Why I Think the New Atheists are a bloody disaster.* <https://www.beliefnet.com/columnists/scienceandthesacred/2009/08/why-i-think-the-new-atheists-are-a-bloody-disaster.html>, 2009.
49. Russell, Leah, *Watkins' Spiritual 100 List for 2019.* <https://www.watkinsmagazine.com/watkins-spiritual-100-list-for-2019>, 2019.
50. Sacks, Rabbi Jonathan, *Science, Religion, and the Search for Meaning*, New York, Schocken Books, 2011.
51. The New York Times, *BEST SELLERS: December 3, 2006.* <https://www.nytimes.com/2006/12/03/books/arts/best-sellers-december-3-2006.html>, 2006.
52. The Week, *What are atheist churches?*. <https://theweek.com/93733/what-are-atheist-churches>, 2018.
53. Torres, Emile P, *From the Enlightenment to the Dark Ages: How "new atheism" slid into the alt-right.* <https://www.salon.com/2017/07/29/from-the-enlightenment-to-the-dark-ages-how-new-atheism-slid-into-the-alt-right/>, 2017.
54. University of Oxford, *The Simonyi Professorship.* <https://web.archive.org/web/20160206202718/http://www.simonyi.ox.ac.uk/aims.html>, 2016.

55. Williams, Mary Elizabeth, *Stop pouting, Richard Dawkins: Sharing a rape "joke" targeting an activist is a "de-platforming" offense*. https://www.salon.com/2016/01/28/stop_pouting_richard_dawkins_sharing_a_rape_joke_targeting_an_activist_is_a_de_platforming_offense/, 2016.
56. Williams, Peter S, *C. S. Lewis vs. the New Atheists*, Milton Keynes, Peterborough, 2013.
57. Wilson, David Sloan, *The New Atheism as a Stealth Religion five years later*. <https://www.prosocial.world/posts/the-new-atheism-as-a-stealth-religion-five-years-later>, 2016.

